



۱۰

حلقه رندان

روایت اختصاصی جام جم از آنچه در شعرخوانی شاعران در محضر رهبر انقلاب گذشت



۱۰

حال زبان فارسی وخیم است



۱۲

تا لحظه سقوط به آمریکا خوشبین بود

فرهنگ

چهارشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۸ :: شماره ۵۳۹۰



پشت صحنه

شب شوق شاعران



اگر پریروز و در آن سوی دنیا ۱۶ میلیون نفر مرخصی گرفتند و سرکار نرفتند تا بتوانند با خیال راحت، آخرین قسمت سریال «بازی تاج و تخت» را تماشا کنند، دیروز هم مشابه همین وضع در مملکت خودمان برقرار بود. نه این که جماعت برگه مرخصی رد کنند، نه بلکه روز کاری شان را با صحبت و تحلیل درباره سرنوشت استارکها و مرگ مادر ازدهایان (درستش این است، نه آن که در بسیاری از زیرنویس های این سریال می نوشتند: ازدهاها!) گذراندند و تقریباً متفق القول هم از این پایان بندی راضی نبودند و می گفتند صدرحمت به پایان بازهای اصغرا!ا! پاره ای از دوستان، غمبیرك زده بودند که دیگر دوشنبه هایشان را با چه سریالی در این سطح و کیفیت سر کنند که پیشنهاد دادیم عجالتا با سریال های ماه رضانی خودمان از برادر جان تا ز یادها رفته و دلدار سرگرم شوند تا بعدش ببینیم چه پیش می آید و مهر چه آثاری به دلمان می نشیند.



خیلی ها منتظرند ماه مبارک رمضان از راه برسد و پای تلویزیون بنشینند و دیدار رهبر انقلاب با شاعران و اهالی فرهنگ و ادب را ببینند. شوقی که شب گذشته به سرانجام رسید و مردم این سنت زیبا و همیشگی ماه مبارک رمضان رهبر معظم انقلاب را از رسانه ملی دیدند. حالا تصور کنید خود افرادی که در این جلسه صمیمانه و پر بار فرهنگی حاضر می شوند، چه حس و حالی دارند. دوستان فرهنگی به پیشقراولی محمدصادق علیزاده، دبیر باذوق گروه در صفحات ۱۰ و ۱۱ امروز به طور مبسوط به دیدار رهبر انقلاب با شاعران پرداخته اند. مصاحبه با علیرضا قزوه، شاعر حوزه انقلاب درباره لزوم حفظ زبان فارسی، یکی از مهم ترین بخش های این پرونده است. همچنین همکارانم شمارا در



جریان حاشیه ها و حال و هوای نشست صمیمانه اخیر رهبر انقلاب با شاعران گذاشته اند. حتما در جریان حرف و حدیث های اخیر هستيد که درباره عزیزان و مهاجران افغان پیش آمد. متأسفانه در این چند وقت اخیر، هرازگاهی اظهاراتی مطرح شده که تکدر خاطر و دلخوری این مهمانان دوست داشتني کشورمان را در پی داشت، اما نيك ما دانيم دوستی ایرانی ها و افغان ها خدشه نا پذیر است. تعداد زیادی از مردم افغانستان سال ها در ایران زندگی می کنند و بخشی از ملت ما هستند؛ نظیر برادران محمودی (نویید و جمشید) که از چهره های جوان و مستعد فیلم سازی محسوب می شوند. تازه ترین فیلم آنها شکستن همزمان بیست استخوان است که قرار است به زودی همزمان در ایران و افغانستان اکران شود؛ سرکار خانم قنبری، خبرنگار با سابقه سینمایی ما به همین مناسبت گفت وگویی بانویید محمودی، تهیه کننده این فیلم انجام داده که در این صفحه می خوانید.

*۹۴ اردیبهشت هم تولد دکتر محمد مصدق بود؛ به همین مناسبت محمدرضا کائینی، پژوهشگر و محقق تاریخ معاصر با یکی از اطرافیان این سیاستمدار گفت وگو کرده که حاصلش را می توانید در صفحه ۱۲ بخوانید.

محسن تنابنده در نقش یک مهاجر افغان در فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان»



گفت وگو با کارگردان افغانستانی فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان»

پیوند ایران و افغانستان ناگسستنی است

البته موضوع مهاجرت افغان ها هنوز کهنه نشده. رنج مهاجران افغان، غربت شان، بی سرزمینی شان، مظلومیت شان و... هنوز جای کار بسیاری در سینما دارد.

برادران محمودی «نویید و جمشید» بعد از تجربه موفق فیلم های «چند متر مکهب عشق» و «رفتن» این بار باز هم مهاجران افغان را دستمایه آثارشان قرار دادند و فیلمی ساخته اند به نام «شکستن همزمان بیست استخوان».

فیلمی که در جشنواره جهانی فیلم فجر با استقبال کم نظیر منتقدان و مردم مواجه شد. فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان» روایتگر زندگی دشوار مهاجران افغان در ایران است. در این فیلم، یک مهاجر افغان مقیم تهران به نام عظیم سخت کار می کند تا بتواند خانواده اش را به صورت قاچاقی به آلمان بفرستد. اما نبردن مادر پیر خانواده که دچار بیماری دیابت است و به پیوند گرده / کلیه نیاز دارد مطرح می شود و عظیم باید بین جان خودش و مادرش یکی را انتخاب کند.

فیلم شکستن همزمان بیست استخوان در دوره اخیر اسکار نماینده شایسته سینمای افغانستان بود. فیلمی که در جشنواره های متعددی جوایز متعددی کسب کرد و نام برادران محمودی را بیش از پیش در دنیا طنین انداز کرد. به بهانه حرف های اخیر مبنی بر امکان خروج مهاجران افغان از ایران، سراغ نویید محمودی تهیه کننده فیلم شکستن همزمان بیست استخوان رقتیم. فیلمی که بعد از اکران موفق در جشنواره جهانی فیلم فجر قرار است به زودی اکران عمومی شود.

همسایگی و همزبانی، اشتراکات فرهنگی زیادی دارند که به این آسانی ها گسستنی نیست.

سینمای افغانستان را چطور می بینید؟

سینمای افغانستان، سینمای تلاشگر و رو به رشدی است. همین الان در جشنواره های بزرگ جهانی، سینمای افغانستان یا نماینده ای مستقل دارد یا نماینده ای مشترک با کشوری دیگر. فیلمسازان بسیار بزرگی از افغانستان هستند که جوایز ارزشمندی از جشنواره های مختلف گرفتند. صدیق برمک، کارگردان اهل افغانستان است که فیلم هایی از او چون اسامه، بیگانه و جنگ تریاک برنده جوایز بین المللی شده یا عتیق رحیمی، نویسنده و فیلمساز بنام افغانستانی که آثار ارزشمند زیادی را تولید کرده.

شکستن همزمان بیست استخوان در جشنواره جهانی فیلم فجر با استقبال خوبی از سوی مردم و منتقدان مواجه شد. با وجود این از آنجا که گیشه سینمای ایران دست فیلم های کم دی است و فیلم شما مولفه های کم دی ندارد، فکر می کنید چه بازخوردی در اکران عمومی داشته باشد؟

شرایط جامعه طوری است که فیلم های کم دی برایشان در اولویت سینما رفتن است. به این دلیل که می توانند یکی دو ساعت در سینما فضایی شاد و مفرح تجربه کنند. به همین دلیل هیچ گله ای بر آن نیست. ۱۵ سال پیش هم دقیقاً روال به همین گونه بود که فیلم های کم دی می فروخت و فیلم های اجتماعی نه. به نظرم این دوران گذاری است که بسته به شرایط اجتماعی تغییر می کند و می آید و می رود، اما در مورد فروش شکستن همزمان بیست استخوان در گیشه باید بگویم با توجه به این که محسن تنابنده در آن بازی چشمگیری دارد. به نظرم می تواند مخاطب خودش را پیدا کند.

البته نه به اندازه فیلم های کم دی، اما فکر نمی کنم این فیلم در گیشه شکست بخورد.

حتی بازیگران ایرانی در افغانستان کاملاً شناخته شده هستند. این امر البته خیلی عجیب و غریب نیست. چون مراودات فرهنگی بین ایران و افغانستان همیشه وجود داشته و حداقل در چهار دهه گذشته مهاجران افغانستانی زیادی را در ایران داشتیم که هنگام بازگشت به کشورشان خواه نا خواه حامل بخشی از هویت فرهنگی ایرانی بودند. احساس می کنم ایران و افغانستان به دلیل دو کشور

بازیگران ایرانی در افغانستان کاملاً شناخته شده هستند. این امر البته خیلی عجیب و غریب نیست. چون مراودات فرهنگی بین ایران و افغانستان همیشه وجود داشته و حداقل در چهار دهه گذشته مهاجران افغانستانی زیادی را در ایران داشتیم که هنگام بازگشت به کشورشان خواه نا خواه حامل بخشی از هویت فرهنگی ایرانی بودند. احساس می کنم ایران و افغانستان به دلیل دو کشور



از بدو تولد تاریخ سینما تا به امروز همواره شاهد همکاری چند برادر سینمایی بوده ایم، از برادران فرانسوی که سینما را خلق کرده اند گرفته تا برادران لومیر که نه تنها اولین فیلم های سینمایی جهان، بلکه اولین فیلم مستند و کم دی دنیا را از آن خود کردند و «ژان پیردارن» و «لوک دارن» که توجه ویژه ای به ساخت فیلم های طبیعت گرایی داشتند. امروز شاید دیگر با اقتدار بتوان نام نویید و جمشید محمودی را در این فهرست قرار داد. نویید و جمشید محمودی که این روزها همکاری شان با تخلص «برادران محمودی» در تیتراژ فیلم ها و سریال ها آورده می شود، سال های سال در فیلم سازی صبر و تلاش کردند تا به جایگاه فعلی برسیند.

این دو برادر افغانستانی سال ها است که در ایران مهاجر هستند و درد مهاجرت و مشکلات پیرامون آن را با پوست و استخوان حس کرده اند. به همین خاطر امروز آن را دستمایه آثار خودشان قرار دادند و می کشند با ارائه آثاری ارزشمند با این محتوا دین خود را به سینما ادا کنند.

مهاجرت افغان ها به ایران، البته پدیده ای است که سال ها است در کشور ما رواج دارد.

بیش از سه دهه جنگ در افغانستان باعث مهاجرت مردم افغانستان به ایران شد و همین مهاجرت در کنار تمام تلخی هایش بیستر اجتماعی داستان های مختلفی را پدید آورد. فیلمسازان مختلفی در سینمای ایران مهاجرت را دستمایه آثارشان قرار دادند که از جمله آنها می توان به مجید مجیدی، محمدرضا عرب و وحید موسائیان اشاره کرد.

بعد از اکران موفق که فیلم شکستن همزمان بیست استخوان در جشنواره جهانی فیلم فجر داشت، ظاهراً قرار است به زودی آن را اکران عمومی کنید؟

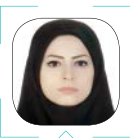
ما در آخرین خبر اعلام کردیم که دنبال اکران عمومی فیلم هستیم و به شورای صنفی نمایش و شورای عالی درخواست نمایش آن را دادیم تا درخواست های ما

به ثمر برسد قطعاً دوسه هفته ای باید صبر کنیم که جلسه های دوستان تشکیل شود و ببینیم بالاخره کی به ما مجوز می دهند. برای ما مهم است که فیلم را در تابستان اکران کنیم، اما این تصمیم منوط به دریافت مجوز آن است.

در افغانستان هم اکران عمومی آن را دارید؟ از آنجا که این فیلم محصول مشترک ایران و افغانستان است، هدفمان این است که آن را همزمان در هر دو کشور به اکران عمومی برسانیم. این اکران همزمان نقطه اشتراك جذابی است و کمک بسیاری به روابط بین فرهنگی دو کشور می کند.

فیلم های قبلی شما چند متر مکهب عشق و رفتن که در دو محصول مشترک ایران و افغانستان هستند در سینما های افغانستان با چه استقبالی مواجه شدند؟ چند متر مکهب عشق به عنوان نماینده سینمای افغانستان در اسکار باید در آنجا اکران می شد و اکران عمومی اش در آنجا بسیار مورد استقبال قرار گرفت و رفتن هم به همین شکل. کلا در این فیلم ها چون به لحاظ گویش و لهجه بازیگران این سرزمین صحبت می کنند برای مردم افغانستان خیلی جذاب است و از آنها بسیار استقبال می کنند.

در آینده هم می خواهید آثارتان را مشترکاً با افغانستان تولید کنید؟ مشخص نیست. بر اساس قصه است که تصمیم می گیریم فیلم مان را کجا و چطور بسازیم. معلوم



ساناز قنبری

سینما

بعد از اکران موفق که فیلم شکستن همزمان بیست استخوان در جشنواره جهانی فیلم فجر داشت، ظاهراً قرار است به زودی آن را اکران عمومی کنید؟

ما در آخرین خبر اعلام کردیم که دنبال اکران عمومی فیلم هستیم و به شورای صنفی نمایش و شورای عالی درخواست نمایش آن را دادیم تا درخواست های ما

به ثمر برسد قطعاً دوسه هفته ای باید صبر کنیم که جلسه های دوستان تشکیل شود و ببینیم بالاخره کی به ما مجوز می دهند. برای ما مهم است که فیلم را در تابستان اکران کنیم، اما این تصمیم منوط به دریافت مجوز آن است.

در افغانستان هم اکران عمومی آن را دارید؟ از آنجا که این فیلم محصول مشترک ایران و افغانستان است، هدفمان این است که آن را همزمان در هر دو کشور به اکران عمومی برسانیم. این اکران همزمان نقطه اشتراك جذابی است و کمک بسیاری به روابط بین فرهنگی دو کشور می کند.

فیلم های قبلی شما چند متر مکهب عشق و رفتن که در دو محصول مشترک ایران و افغانستان هستند در سینما های افغانستان با چه استقبالی مواجه شدند؟ چند متر مکهب عشق به عنوان نماینده سینمای افغانستان در اسکار باید در آنجا اکران می شد و اکران عمومی اش در آنجا بسیار مورد استقبال قرار گرفت و رفتن هم به همین شکل. کلا در این فیلم ها چون به لحاظ گویش و لهجه بازیگران این سرزمین صحبت می کنند برای مردم افغانستان خیلی جذاب است و از آنها بسیار استقبال می کنند.

در آینده هم می خواهید آثارتان را مشترکاً با افغانستان تولید کنید؟ مشخص نیست. بر اساس قصه است که تصمیم می گیریم فیلم مان را کجا و چطور بسازیم. معلوم

شعر هنوز هم

رسانه است

فرض کنید، قرار باشد برای

مطبوعات و رسانه های دنیای امروز، پیشکسوت یا پدرجدي قائل شويم و آن اولین رسانه که به کلام وابسته بوده را قدر بدانیم؛ شاید بهتر باشد خیلی گرفتار اختلاف نظر ها و مته به خشخاش گذاشتن ها نشویم و محترمانه به احترام شعر کلاه از سر برداریم و بپذیریم که حتی امروز و در جهان رسانه های تعاملی و مجازی نیز شعر همچنان رسانه است و به مثابه یک رسانه عمل می کند.

از ۱۳ قرن پیش تا امروز، مهم ترین کارکرد شعر اطلاع رسانی و آگاهی بخشی بوده است؛ شعر در طول تمام این قرن ها و در اوج و فرود رویدادهای کوچک و بزرگ تاریخ، مثل یک رسانه عمل کرده است. آنجایی که در نقش انتقال دهنده پیام ظاهر شده یا هر زمان که در خدمت تبلیغ دین و اخلاق قرار گرفته یا وقتی بهانه ای شده برای معنا کردن زیبایی و ارائه تعاریف تازه تر از زیبایی شناسی و نیز هر زمان که هویت انسان ایرانی را در چارچوب جغرافیایی که در آن زیست می کند یا خارج از آن معنا کرده است.

در تمام این قرن ها، هر جا که نوبت به اعتراض رسیده، گالیه یا نقدی بوده و درد یا آفتی به جان جامعه افتاده، شعر حضور موثر داشته و نقش قابل اعتنایی ایفا کرده است. در اوج و فرودهای مبارزات سیاسی در طول مبارزات تاریخی و هر رویداد کوچک و بزرگ فرهنگی و اجتماعی، مقوله شعر و شاعری به وضوح قابل ردیابی است و در تمام این قرن ها همواره به زیباترین و دلنشین ترین شیوه ها، با چشمت منظوم و هماهنگ و آه ها، ارتباط را بین فرستنده و گیرنده پیام برقرار کرده است. هنوز هم شعر به همین نقش و کارکردش ادامه می دهد و بروز و ظهور رسانه های نوین ارتباطی نه تنها از میدان به درش نکرده بلکه به قدرت انتشار و نفوذش افزوده است.

بررسی شعر به عنوان رسانه از وجود سه عنصر و اساس تشکیل دهنده رسانه ها حکایت می کند: پیام، گیرنده پیام و فرستنده پیام. مگر جز این است که شاعر فرستنده، مخاطب گیرنده و نگاه شاعرانه شیواترین پیامی است که در چنین رسانه ای ارسال می شود؟

شعر با اصیل ترین و قدرتمندترین ابزارها، یعنی کلمه با مخاطبیش ارتباط برقرار می کند و دامنه ارتباطش از پیام رسانی تا حظ شنیداری گسترده است. بنابراین عجیب نیست که حتی امروز در عصر رسانه های گوناگون همچنان به مثابه یک رسانه باقی بماند و مردم شتابزده عصر دیجیتال هم از آن بهره گرفته ایم و از این پس هم چنین خواهد بود. بعد است به این سادگی دست از سر این رسانه موثر قدرتمند برداریم حتی اگر همه امکان و بستر استفاده از آن پشت نیشان آبی رنگ باشد یا حتی کامیون های جاده.